

## سخن سردبیر

مسئله اجتهاد در حوزه فهم و تفسیر دین، در عصر رسالت چندان مطرح نبوده است. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، ابتدا اهل سنت به دلیل مبانی اعتقادی و عدم اعتقاد به امامت و در نتیجه عدم مراجعه به معصومان ﷺ، ضرورت و نیاز به اجتهاد را احساس کرده بودند. علمای شیعه نیز در زمان حیات و حضور امامان معصوم ﷺ، دغدغه کمتری به این مسئله داشتند؛ زیرا مسائل نظری و عملی خود را در حوزه دین به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از امامان معصوم ﷺ اخذ می‌کردند، اما در زمان غیبت، اجتهاد، به یک مسئله اساسی تبدیل شد. از اینجا به صورت جدی، بخشی از اجتهاد در قالب اصول و قواعد فهم و بیشتر ناظر به فهم احکام شرعی از آیات قرآن و روایات شکل می‌گیرد؛ بنابراین نخست مسئله فهم قرآن و حدیث به‌ویژه در حوزه احکام فقهی مطرح بود و علما در زمان غیبت، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، اصول و قواعد خاصی را در فرایند و عملیات استنباط و کشف احکام استفاده می‌کردند.

در زمینه فهم و تفسیر دین، رویکردهای گوناگونی شکل گرفته است. عوامل گوناگون معرفتی و غیرمعرفتی به‌مثابه علل ناقصه یا علل معدّه در شکل‌گیری مکاتب، جریان‌ها و رویکردها نقش دارند. عوامل معرفتی عبارت‌اند از: جهان‌بینی‌ها، مبانی نظری، پیش‌فرض‌ها، پیش‌ذهنیت‌ها و مانند آن. این عوامل به‌عنوان علل ناقصه، نقش جدی در تفاوت‌ها و اختلافات در

رویکردهای اجتهادی دارد. در کنار این عوامل، زمینه‌های اجتماعی و روانی همچون جریان‌های سیاسی، عقیدتی، فرهنگی، حبّ و بغض‌ها و مانند آن به‌عنوان علل معدّه نیز در شکل‌گیری مکاتب و رویکردها مؤثرند. در این‌باره جریان‌ها و مکاتب را در سه دسته کلی می‌توان طبقه‌بندی کرد: رویکرد ظاهرگرایی (نقل‌محور یا نص‌بسند)، رویکرد عقل‌گرایی خودبنیاد (اعتزال قدیم و جدید و مانند آن) و رویکرد اجتهادی عقل‌گرا.

یکی از رویکردهای مهم در دین‌پژوهی، جریان ظاهرگرایی است. طرفداران این جریان به‌دلیل جمود و اعتنای حداکثری به ظواهر متون دینی (آیات و روایات) در فهم دین، حتی در فهم اصول عقاید، برای دیگر منابع معرفتی مانند عقل، اعتباری قائل نیستند. آنان به‌لحاظ رویکردی، نقل‌محور، نص‌بسند، خردگریز و بعضاً عقل‌ستیزند. ظاهرگرایان به‌لحاظ مبانی و روش، در یک سطح قرار ندارند. برخی از آنان با روشی افراطی و بدون توجه به صحت و سقم سند احادیث، مضامین آن را می‌پذیرند. این دسته به‌شدت عقل‌گریز و عقل‌ستیزند. گروهی از ظاهرگرایان، گرایش‌های معتدل‌تری دارند. ظاهرگرایی، طیف وسیعی از رویکردها همچون اهل حدیث، اشاعره از اهل سنت، اخباریون و جریان تفکیکی از مکتب شیعه را شامل می‌شود.

یکی از رویکردهای ظاهرگرایی، جریان «اهل حدیث» است. اهل حدیث به‌عنوان یکی از رویکردهای ظاهرگرایی، از جریانات فکری اهل سنت می‌باشد. این جریان در برابر «اهل رأی» (تأویل‌گرایان)<sup>۱</sup> در فهم و

۱. اهل رأی، از ظاهر الفاظ گذر کرده و به تأویل آن می‌پرداختند.

تفسیر دین صرفاً به احادیث اکتفا کرده و از دیگر منابع و روش‌ها همچون عقل و برهان پرهیز می‌کردند. بعضی از بنیان‌گذاران اهل حدیث عبارت‌اند از: مالک انس، سفیان ثوری و احمد حنبل.

۷



روایت  
کتاب

گرایش افراطی به حدیث، سبب شد بسیاری از احادیث ضعیف و اسرائیلیات وارد این دستگاه فکری شود. آنان همچنین به سبب اتکا بر ظواهر احادیث، دچار جزمیت و خطا شده و زمینه را برای شکل‌گیری تحجرگرایی در دین‌پژوهی فراهم کردند. این جریان به دلیل مبانی و روش خاص دین‌شناسی، در بحث صفات الهی، سر از تشبیه و تجسیم‌گرایی درآوردند. از مشکلات اهل حدیث، ناتوانی آنها در تبیین مسائل و مباحث عقلی است. این جریان مشتمل بر مکاتب کلامی همچون اشاعره و برخی مذاهب اهل سنت مانند حنبلی است. اشاعره، پیرو مکتب ابوالحسن اشعری هستند. ابوالحسن اشعری ابتدا معتزلی بود و در جست‌وجوی راهی معتدل در میان عقل‌گرایی افراطی معتزله و خردگرایی اهل حدیث برآمد، اما در نهایت، آرای اهل حدیث را همراه با نوعی تبیین عقلی پذیرفت. به‌باور برخی، او نتوانست اشکالات اساسی دیدگاه اهل حدیث همچون جبرگرایی را رفع کند. اشاعره ابتدا در مخالفت با معتزله شکل گرفت و به تدریج تحول یافت و از سبک کلامی به عرفان و فلسفه نزدیک شد.

اخباری‌گری از رویکردهای ظاهرگرا در دین‌پژوهی شیعی است. این جریان بر مبانی گوناگونی استوار است. برخی از مبانی فکری آنان عبارت‌اند از: حجیت و اعتبار تام کتب اربعه و عدم نیاز به علم رجال، نفی منبعیت و حجیت قرآن و عدم اعتبار و حجیت عقل و اجتهاد در حوزه استنباط احکام. به عبارت دیگر از مبانی مهم آنان عدم حجیت ظواهر قرآن و

عدم اعتبار عقل در حوزه استنباط احکام است و بر همین اساس معتقدند فقط معصومین حق رجوع به قرآن دارند و دیگران به دلیل ناتوانی در فهم قرآن باید به اخبار و احادیث مراجعه کنند؛ از این رو منبع کتاب و عقل را از اعتبار و حجیت ساقط کرده و به همین دلیل اجتهاد را نیز منکر شدند؛ در نتیجه منابع معرفتی در فهم دین، محدود بوده و منجر به انحصار روش‌شناختی (روش نقلی) شده است. محمد/مبین استرآبادی (م. ۱۰۳۳ق) از مخالفان جریان اجتهادی و از بنیانگذاران ظاهرگرایی در شیعه است (ر.ک: مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۳، ص ۲۱). اخباری‌ها بر خلاف ظاهرگرایان اهل سنت، تمامی احکام عقل را بی اعتبار نمی‌دانند، بلکه بدیهیات عقلی و نیز احکام نظری عقل را که با شرع سازگار است، می‌پذیرند. این جریان حدود دو قرن دوام داشت و با ظهور محمدباقر بهبهانی (۱۱۱۶-۱۲۵۰) رو به افول گرایید (مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۲). از مشکلات و ایرادهای اخباری‌گری، بی‌اعتنایی افراطی به عقل در دین پژوهی است، درحالی‌که پیش از پذیرش اعتبار کتاب و سنت، ناگزیر باید از دلیل عقلی استفاده کرد و تا اعتبار کتاب و سنت با مبانی عقلی محض اثبات نشده باشد، نمی‌توان به آنها تمسک جست (همان، ص ۸۲). جمود بر ظواهر روایات، ضمن اینکه مستلزم غلطیدن در تشبیه یا تجسیم خداوند است، با عقلانیت دین نیز سازگار نیست.

ذیل این مکتب فکری، جریانی موسوم به «تفکیک» شکل گرفت. این اصطلاح نخستین بار توسط محمدرضا حکیمی برای این دیدگاه اطلاق شد و مقصود آنان جدایی و تفکیک میان روایات معصومان و افکار بشری (عقلی و فلسفی) در فهم دین است. این جریان فکری معاصر درحقیقت نوعی

بازگشت مجدد اخباری‌گری است؛ زیرا پس از غلبه اصولیون و رویکرد اجتهادی بر اخباری‌گری، اهتمام به روایات و نقل‌گرایي مطرح شد. بنیان‌گذار این جریان، میرزا مهدی اصفهانی است و سید موسی زرآبادی، شیخ محبتی قزوینی، میرزا جواد تهرانی، شیخ محمود حلبی، شیخ محمدباقر ملکی میانجی، شیخ علی نمازی شاهرودی، شیخ حسنعلی مروارید، سیدجعفر سیدان و محمدرضا حکیمی از طرفداران و مروجان این جریان‌اند. مبانی مشترک اخباری‌گری و جریان تفکیک عبارت‌اند از: محوریت اخبار و روایات به‌عنوان منبع سندی، ظاهرگرایی و منع تأویل، اختصاص فهم و تفسیر قرآن به اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup>، نادیده‌انگاری عقل و مانند آن.

این جریان به‌رغم قرابت با اخباریون، تفاوت‌هایی نیز با آن دارد. تفاوت مهم اخباریون با جریان تفکیک، قلمرو مدعیات‌شان است؛ زیرا اخباریون بیشتر در حوزه احکام شرعی به روایات استناد ورزیدند و متقابلاً به عقل و کتاب کمتر پرداختند؛ به‌تعبیری رقیب و طرف‌دعوائ‌شان اصولیون بودند که در تبیین احکام دین به اجتهاد روی آورده و احکام را از منابع چهارگانه استنباط می‌کردند، درحالی‌که مکتب تفکیک به‌لحاظ روش‌شناسی در طیف اصولیون قرار دارند، اما حوزه مدعیات مکتب تفکیک، نه حوزه فقه، بلکه حوزه اعتقادات و معارف کلامی و الهیاتی است. آنان در این حوزه بر خلاف مشی خود در فقه و اصول عمل کرده و بر مشی اخباریون گام برداشته و روایات را بر کتاب و عقل مقدم می‌دارند؛ بنابراین طرفداران مکتب تفکیک را به‌نوعی «نواخباریان» یا «اخباریون نوین» می‌توان دانست. برخی ویژگی‌های نواخباریون و جریان تفکیک عبارت است از:

۱. ظاهر، صدف و پوسته‌گرایی (مقابل ذات - گوهرگرا)؛

۲. احیای مطالب علمی و رفتاری تنش‌زا و مباحث اختلافی اهل سنت: لعن و نفرین صحابه و خلفا، قه‌زنی، غصب خلافت و...؛
۳. حذف یا به‌حاشیهراندن مرجعیت حوزه و مراجع دینی و تبیین دین توسط افراد غیرمتخصص؛
۴. تمرکز و برداشت سطحی از اخبار؛
۵. حجت‌انگاری رؤیا (دیدن امام عصر و...)
۶. جزم‌اندیشی و پافشاری در اندیشه‌های ناروا و ثابت‌نشده؛
۷. انطعاف‌ناپذیری و ناسازگاری با دگراندیشان؛
۸. مطلق‌انگاری اندیشه‌های گذشتگان و تقلید کورکورانه از آنان؛
۹. خرافه‌پروری؛
۱۰. مقدس‌مآبی؛
۱۱. داشتن روحیه عصبیت در باورهای شخصی؛
۱۲. استفاده از حربه تکفیر و تفسیق در حق مخالفان.

در دهه‌های اخیر، نواخباریون در طیف‌های گوناگون با استناد به ظاهر روایات - آن هم به‌صورت گزینشی - در صدد تضعیف نقش و جایگاه عقل به‌مثابه منبع، ابزار و مفسر آموزه‌های دینی برآمده‌اند که با روح حاکم بر دین فطری اسلام همخوانی ندارد؛ بر همین اساس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با همکاری گروه‌های علمی خود در صدد بسط بیشتر عقلانیت در علوم گوناگون انسانی و اسلامی برآمد تا با تقویت اجتهاد عقل‌گرا، اولاً، مبانی عقلی و نقلی آن را در علوم اسلامی بیشتر تبیین و تقریر کند؛ ثانیاً، ضعف‌های معرفتی رویکرد اخباری‌گرایی و خصوصاً نواخباریان را به مخاطبان اندیشور و محقق خود نشان دهد؛ ثالثاً، برگزاری

همایشی با اصطلاح «اجتهاد عقل‌گرا» می‌تواند هشدار می‌باشد که حقیقت اجتهاد را نباید فراموش کنند و چه‌بسا به نام «اجتهاد»، اما در عمل «اجتهاد اخباری» و «اخباری‌گری پنهان» در دام «اخباریون» گرفتار آیند.<sup>۱</sup>

۱۱



روایت  
تفسیر

در کنار برگزاری همایش «اجتهاد عقل‌گرا» و ارائه مجموعه مقالات سه جلدی به همین نام (به‌کوشش استاد محمدحسن قدردان قراملکی)، یک شماره از فصلنامه «کتاب نقد» نیز به چاپ برخی مقالات با رویکرد انتقادی به‌ویژه ناظر به نقد جریان تفکیک، اختصاص یافت؛ بنابراین در شماره حاضر ضمن توصیف و تبیین رویکرد خردگریزی در فهم و تفسیر دین، موضوعاتی همچون عقل فلسفی و عقل تفکیکی، هستی‌شناسی و گستره کاربرد عقل در آرای تفسیری تفکیکیان، مسئله تعارض عقل و نقل، مسئله خداشناسی، مبانی رویکرد تفکیک و مانند آن در الهیات نص‌گرا و جریان تفکیکی نقد و بررسی شد.

---

۱. برای تفصیل بحث، به مجموعه مقالات سه جلدی «اجتهاد عقل‌گرا»، به‌کوشش استاد محمدحسن قدردان قراملکی مراجعه شود.